

دورنمای بخش خصوصی؛

گام در راه دشوار آینده

۱. ضعف نیروی انسانی و ضرورت جدی گرفتن آموزش
تردیدی وجود ندارد که بنگاه‌های اقتصادی ایران دست کم از حیث منابع انسانی به عنوان سرمایه اجتماعی و اقتصادی از ضعف‌های بسیار رنج می‌برند و جذب نیروی کار در بنگاه‌ها و شرکت‌ها نه بر اساس توانمندی‌ها و خلاقیت‌ها، که عمدتاً بر اساس رویه‌های سنتی و با رویکرد حسن اعتماد و ارزیابی کلی از کم و کیف توانمندی نیروهای انسانی شاغل یا در حال پیوستن به جمع سایر شاغلان صورت می‌گیرد و مهم‌تر اینکه استخدام نیروهای جدید به عنوان یک نیاز بیش از آنکه به تحول و دگرگونی در کارها بینجامد، خواسته یا ناخواسته بر اساس شرایط درونی هر بنگاه اقتصادی، موجب همسویی این نیروها با شرایط موجود می‌گردد. در واقع نیروی انسانی ضعیف نه تنها هزینه سربرابر شرکت‌ها را افزون می‌کند، که انگیزه سایر نیروهای خلاق و دارای ابتکار را تا اندازه زیادی سرکوب می‌کند و از این منظر، مقایسه میزان توفیق بنگاه‌های هم‌گروه در یک رشته خاص نشان می‌دهد تا چه میزان شاخص‌ها و مؤلفه‌های تشویقی در هر بنگاه یا شرکت باعث کنندی یا شتاب برنامه‌ها و بازده اقتصادی می‌شود. آموزش نیروهای انسانی امروزه نه یک هزینه، که سرمایه‌گذاری برای بنگاه‌های آینده‌نگر است، مشروط بر اینکه مدیریت بنگاه اقتصادی بتواند از توانمندی و ابتکار نیروهای خود بهترین استفاده را ببرد و به همین دلیل شاید در پیش گرفتن روش‌های انگیزه‌آفرین در پرداخت حقوق و مزایا متناسب با سطح توان و تلاش افراد و سهم کردن واقعی آنها در سود و زیان بنگاه و شرکت می‌تواند کارآمد باشد.

۲. اهمیت به کارگیری بهینه منابع مادی و مالی

واقعیت این است که مدیریت منابع مادی و مالی در بنگاه‌های اقتصادی دارای ضعف‌های بنیادین است و برخلاف بسیاری از شرکت‌های رقیب خارجی، تمایل زیادی به ایجاد ثروت به جای

اقتصاد ایران دوران تاریخی‌ای را سپری می‌کند و افزون بر تلاش در جهت پشت سر گذاشتن ناهمواری‌های ناشی از هدفمندی یارانه‌ها، دست کم تحولات دیگری در راه است و گام نهادن در راه دشوار آینده نیازمند داشتن تصویری واقع‌بینانه از تهدیدها، فرصت‌ها، ضعف‌ها و قوت‌ها و البته در اختیار داشتن راهبردی روشن از مسیر پیش‌روست. این مهم البته درباره همه جوامع، اعم از پیشرفته و در حال توسعه، صدق می‌کند، هر چند درباره کم و کیف دشواری‌ها و ناهمواری‌های پیش‌روی هر جامعه‌ای به نسبت شرایط بیرونی و درونی حاکم بر کشورهای مختلف تفاوتی بنیادین وجود دارد. بی‌گمان ویرای مسئولیت و رسالت دولت و قوه مقننه به عنوان ارکان تعیین‌کننده در ترسیم چارچوب اجرایی و تقنینی و قضایی حرکت اقتصاد ایران به سوی آینده نباید از نقش و رسالت بخش خصوصی و مأموریت بنگاه‌های اقتصادی غفلت کرد. بر این اساس، ضرورت دارد فعالان بخش خصوصی با نگاهی به دشواری‌ها و ناهمواری‌های درونی خویش درصدد رفع موانع و چالش‌های درگیر با آن برآیند و از این منظر، شاید به جای رویکرد انتقادی و گلایه‌آمیز، در پیش گرفتن سیاست و راهبرد ارائه پیشنهاد و مشارکت در تصمیم‌سازی‌ها بهتر و منطقی‌تر خواهد بود. برون‌رفت بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی و عمومی از وضعیت موجود و گام نهادن در مسیر وضعیت مطلوب تنها به انتظار بی‌برنامه میسر نخواهد شد و بی‌گمان ضرورت دارد ساختار بنگاه‌ها، شرکت‌ها، واحدهای تولیدی و تجاری و چشم‌انداز آینده آنها نه بر اساس نیازهای گذشته، که بر اساس مؤلفه‌های تعیین‌کننده بر نیازهای حال و آینده بازارهای هدف اصلاح شود. از این رو، بازنگری در برنامه‌های بنگاه‌های اقتصادی کشور ضرورتی است انکارناشدنی که در ادامه برخی از دشواری‌ها و دست‌اندازه‌های درون‌بنگاهی پیش‌روی بنگاه‌های اقتصادی بخش خصوصی و عمومی مورد کالبدشکافی قرار می‌گیرد:



سرمایه‌گذاری نزد مدیران و فعالان اقتصادی وجود دارد و یکی از رویکردهای ملموس نزد بنگاه‌های اقتصادی تبدیل منابع خویش به دارایی‌های منقول و غیرمنقولی است که ممکن است به واسطه تورم بالا یا تحریک بیش از اندازه تقاضا در بخش‌هایی از اقتصاد، ارزش این دارایی‌ها افزایش بیشتری از نرخ تورم سالیانه داشته باشد. گرچه این روش در نگاه نخست قابل دفاع است، افراط و تشدید رویکرد سفته‌بازی نزد بنگاه‌های اقتصادی و غلظت بالا برای تبدیل منابع و نقدینگی مورد نیاز بنگاه و شرکت به دارایی‌های دارای خاصیت بازده ناشی از سوداگری به جای اندیشیدن به راه‌هایی برای ایجاد ارزش افزوده از محل تولید کالاها یا ارائه خدمات در بلندمدت، قدرت رقابت شرکت‌ها و بنگاه‌ها را تحلیل می‌برد. از سوی دیگر، پراکندگی منابع مادی و مالی شرکت‌ها و بنگاه‌ها در زمینه‌های مختلف بدون شناخت از آینده تنها باعث گرفتار شدن سرمایه‌ها خواهد شد و این موضوع با تنوع سبب دارایی‌های شرکت‌ها و بنگاه‌ها و مدیریت بهینه نقدینگی در پرتفو و یا سبب قابل دفاع در عرصه رقابت تفاوت دارد. از این رو، به جای پیروی محض از نوسان‌های بازار و بازده‌های اقتصادی زودگذر، در اختیار گرفتن مدیران سرمایه‌گذاری و دارای قدرت تحلیل درست از آینده و استفاده از مشاوران خبره و امین جهت به کارگیری بهینه منابع مادی و مالی ضرورت دارد.

۳. در اختیار داشتن تصویر درست از نیازهای بازارهای هدف

یکی از چالش‌های پیش روی بنگاه‌های اقتصادی ایران نداشتن تصویر درست و روشن از نیازهای بازارهای هدف داخلی و جهانی است و به همین دلیل، محصول و خدمات ارائه شده از سوی آنها در رقابت با سایر کالاهای خارجی با مشکل عدم فروش و نداشتن بازار مواجه می‌شود. ضرورت ایجاد می‌کند مدیران بنگاه‌های داخلی برای باقی ماندن در بازار و موفقیت در عرصه رقابت، اصول بازاریابی، بازاریابی و تجزیه و تحلیل رفتار مصرف‌کننده را جدی بگیرند و اصل کیفیت و قیمت متناسب با نیازهای بازار را در اولویت قرار دهند. به بیان دیگر، اگر از منظر نیروی انسانی و نیازهای بازار هدف به ساختار بنگاه‌های اقتصادی کشور نگاه کنیم، با مسئله عدم خلاقیت و نوآوری مواجه می‌شویم که شاید یکی از ریشه‌های این خلاء در ساختار منابع انسانی، انتخاب و استخدام نیروی انسانی بر اساس نیازهای کارجویانه و نه برخاسته از ایده‌های نیروهای کارآفرین است. افزون بر هزینه‌های ناشی از استخدام و به کار گرفتن نیروی انسانی بر اساس نیازهای کارجویانه به جای نیروهای خلاق و کارآفرین، تن دادن بنگاه‌های اقتصادی به ساختار ناکارآمد درون‌بنگامی و تلاش در جهت یافتن ریشه مشکلات در خارج از بنگاه باعث خطا در تصمیم‌گیری‌های آینده می‌شود.

۴. در پیش گرفتن نظام مشارکتی در سرمایه‌گذاری‌ها به جای نظام خودمالکی و خردهمالکی

تأمل در ساختار مدیریتی و مالکیتی بنگاه‌های اقتصادی ایران، بویژه در بنگاه‌های کوچک و متوسط، بوضوح نشان می‌دهد پدیده خودمالکی و خردهمالکی شاکله اصلی بنگاه‌های اقتصادی ایران را تشکیل می‌دهد. اگر چه خودمالکی در صورت داشتن راهبردی تعیین‌کننده و مبتنی بر نیازهای بازار و در اختیار داشتن منابع مادی و مالی کافی و بهره‌مندی از مدیریتی قوی یک مزیت نسبی برای توفیق در مسیر آینده است، نباید فراموش کرد که خودمالکی به دلیل ضعف منابع مادی و مالی و دشواری‌های ناشی از عدم شایسته‌سالاری در اداره بنگاه‌های بخش خصوصی کم‌کم جای خود را به خردهمالکی می‌دهد و به همین دلیل، گسترش دامنه فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌ها بتدریج به تحلیل می‌رود. اینکه چرا نظام مشارکتی نزد صاحبان و مدیران بخش

خصوصی کم‌رنگ است و ریشه‌ها و چالش‌های آن چیست، البته جای بحث است، اما سوق دادن بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط به سمت نظام مشارکتی به جای خودمالکی و خردهمالکی و تقویت تعاونی‌های تولیدی دارای استقلال لازم می‌تواند به تجمیع سرمایه‌ها، تقویت توانمندی‌ها و حضور مؤثرتر در رقابت اقتصادی کمک کند.

۵. همراهی با تصمیم‌سازان در رفع موانع و چالش‌های قانونی و اجرایی

فائق آمدن بر دشواری‌ها و ناهمواری‌های ناشی از قوانین و مقررات موضوعه کشور، در گرو مشارکت بخش خصوصی با تصمیم‌سازان، اعم از دولتمردان و نمایندگان مجلس و کارشناسان و مدیران دستگاه قضایی برای رفع موانع و برطرف کردن چالش‌های حقوقی، اجرایی و قضایی پیش روی رقابت اقتصادی است، بویژه اینکه برابر با قانون اجرای سیاست‌های اصل ۴۴ قانون اساسی، اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران به عنوان بازوی مشورتی قوای سه‌گانه شناخته شده است و مهم‌تر اینکه برابر با قانون برنامه پنجم توسعه، شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی تشکیل شده و فعالیت خود را آغاز کرده است. پیشنهاد می‌شود مدیران و کارشناسان حاضر در بخش خصوصی با رویکرد آسیب‌شناسی فعالیت بخش خصوصی به گونه‌ای نظام‌مند و تعریف شده هر گونه خلاء و یا مانع قانونی، اجرایی و یا دشواری قضایی را احصاء کنند و از طریق تشکل و یا صنف مربوط به خود و یا به طور مستقیم با دبیرخانه شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی مطرح کنند تا در راستای پیش و پالایش قوانین و مقررات موجود اقدام مؤثر با مشارکت همه فعالان اقتصادی صورت پذیرد، چه اینکه قصد و نیت قانون‌گذاران و دولتمردان در وضع قوانین و مقررات و یا تدوین و ابلاغ دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اجرایی رفع چالش‌ها و موانع است، اما ممکن است در اجرا مشکلات و مسائل تازه‌ای پدید آید که نیاز به بازنگری و اصلاح دستورات و قوانین ابلاغ شده باشد. بنابراین پیش و پالایش دائمی قوانین و مقررات اقتصادی کشور یک موضوع مستمر است و تعطیل‌بردار نیست.

کوتاه سخن اینکه افزون بر موارد اشاره شده در این نوشتار، می‌توان با بهره گرفتن از ظرفیت‌های رسانه‌ای کشور نظیر «ماهنامه بازار بین‌الملل» به ارائه نظرات کارشناسی، مطالبات صنفی و ارائه پیشنهادها کاربردی همت گمارد، زیرا به نظر می‌رسد در جهان امروز توجه ویژه به تحقیق و توسعه در پیشبرد اهداف و اجرای برنامه‌ها به جای حرکت بر اساس آزمون و خطا دیگر نه یک اختیار و تفنن، که یک الزام اجتناب‌ناپذیر است و بنگاه‌ها و فعالان بخش خصوصی باید توانمندسازی و فعال‌سازی ظرفیت‌های بالقوه و چاره‌اندیشی و مدیریت نقدینگی را جدی‌تر بگیرند و مهم‌تر اینکه درس گرفتن از تجربه‌های دیگر شرکت‌ها و بازنگری در استراتژی‌ها متناسب با تغییر و نوسان نیازهای بازار را همواره در دستور کار خود داشته باشند. ماهنامه بازار بین‌الملل به سهم خویش آمادگی دارد با مشارکت فعالان اقتصادی، اتحادیه‌ها، اصناف، کارشناسان، مدیران شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی نسبت به آسیب‌شناسی دشواری‌ها و ناهمواری‌ها و معرفی توانمندی‌های بالقوه و بالفعل اقدام کند و به اندازه بضاعت خود، دین خویش را در مسیر آزادسازی اقتصادی و خصوصی‌سازی واقعی و حرکت قطار اقتصادی ایران بر ریل‌های تازه با لکوموتیوهای بخش خصوصی با راهبری دولت بر اساس چارچوب و سیاست‌های کلان اقتصادی نظام ادا کند.

سر دبیر